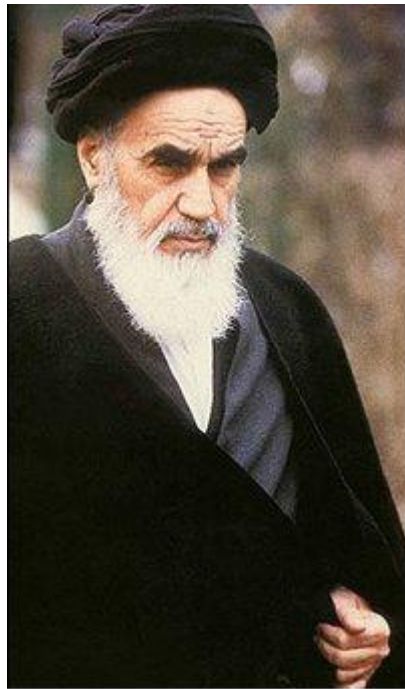


بسم الله الرحمن الرحيم

خط امام در صحیفه امام آشنایی اجمالی با صحیفه امام خمینی(ره)

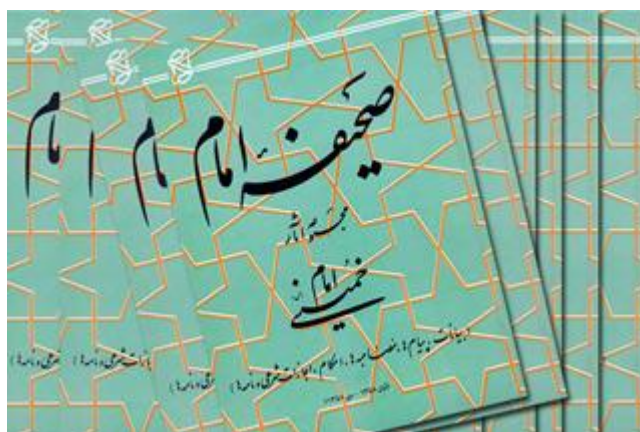


مبارزه (رسانه تحلیلی خبری دانشجویان خط امام)

www.Mobareze.ir

خط امام در صحیفه امام

آشنایی اجمالی با صحیفه امام خمینی (ره)



فهرست مندرجات

- پیش گفتار
- چند روایت از آفتاب: معرفی آثار منتشره درباره حضرت امام (ره)
- خط امام واقعی کجاست: هرمنوتیک «خط امام» (ره)
- تبیین حکومت اسلامی در تبعید: گزیده مواضع حضرت امام (ره) در مهاجرت نوفل لوشاتو
- محکمت خط امام: گزیده رهنمودهای سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)

پیش گفتار



«ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم "لا اله الا الله" را بر قتل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. جهان‌خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آن که این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنییم که ای خواب رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست!»

(پیام حضرت امام(ره) به مناسبت پایان جنگ و شروع جنگ فقر و غنا، مورخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷)

راه اندازی سایت «مبارزه» به عنوان رسانه تحلیلی خبری دانشجویان خط امام(ره) طلیعه هور جریان فکری و تشکیلاتی جدیدی بر مبنای اندیشه های امام راحل بود تا دو قطبی فکری و سیاسی موجود را در هم شکنند. این مهم، البته وظیفه ای است که رهبر کبیرشان، خود بر دوش آنها نهاده است: «جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و نسلهای آینده سرمایه های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می‌توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند، و این عزیزانند که هدف اصلی استعمار و استثمارگران جهانند و هر قطبی در صدد صید آنان است و با صید آنان است که ملتها و کشورها به تباهی و استضعاف کشیده می‌شوند. و اکنون ای جوانان عزیز، و ای دانشجویان و دانشمندان امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم الشان ایران بدست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی بعهده همه گذاشته است. همه ملت و خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند مسئول نگرهبانی از این امانت بزرگ الهی می‌باشند.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))

در این راستا گوش به آن پیش بینی تحقق یافته امامان داریم که پیش از عزمتمش به ملکوت اعلی، خطرات آینده را گوشزد ساخته بود: «آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.» (منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، ۲۹ تیر ۱۳۶۷)

بر اساس آنچه گفته شد، رسانه دانشجویان خط امام(ره) با شکل دهی ساختار خود بر مبنای مرامنامه و ترسیم روش های آن در قالب اساسنامه، در راستای اهداف بالا و در حوزه های مشخص به تبیین و اشاعه اسلام ناب محمدی (ص) که در عصر ما در قالب خط امام(ره) بازتعریف شده است، خواهد پرداخت. هدفی که از زمان آغاز نهضت امام خمینی (ره) توسط ایشان و یاران برگزیده ایشان آغاز شده و در سایه تبعیت از ولایت فقیه، می‌رود تا سراسر عالم را دگرگون سازد: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم.» (منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، ۲۹ تیر ۱۳۶۷)

جزوه ای که در پیش رو دارید، تلاشی است برای ارائه متون اولیه در جهت شناخته حادقلی صحیفه امام(ره). هرچند که اعتراف داریم این تلاش نه در وسع ما سالکان منزل نخستین شناخت آن عارف کامل است و نه هیچ چیز جز مطالعه کامل و جامع صحیفه می‌تواند راهگشای شناخت اندیشه های او باشد. جزوه پیش روی شما نیز مصداق بحر را در کوزه گنجاندن است.

جزوه «خط امام در صحیفه امام: آشنایی اجمالی با صحیفه امام خمینی(ره)» بر گرفته از مطالب زیر است که در رسانه های مختلف منتشر شده و اینک در قالب جزوه ویراست و تدوین شده اند:

- معرفی برخی آثار مکتوب و چند رسانه ای منتشره درباره حضرت امام(ره).

- گزارش «خط امام واقعی کجاست؟/ هرمنوتیک «خط امام» (منتشره در سایت تریبون مستضعفین، مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۹۱)

این گزارش که به رئوس واضح حضرت امام از نخستین بیانیه سیاسی ایشان تا وصیت نامه می‌پردازد، با اندکی اضافات و ویراست در این جزوه هم آمده است.

- گزارش «چند روایت از یک حضور/ مواضع حضرت امام در نوفل لوشاتو» (منتشره در هفته نامه پنجره، مورخ بهمن ۱۳۹۱)

این گزارش به بررسی مهمترین مواضع پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در مهاجرت فرانسه پرداخته است. مواضع این برهه از حیات سیاسی امام و تاریخ انقلاب اسلامی از این لحاظ اهمیت مضاعف دارد که از یک سو مهمترین سخنان امام پیش از تشکیل حکومت را در جمع دانشجویان مقیم خارج از کشور و خواص یاران و نیز در مصاحبه با رسانه های خارجی را شامل می‌شود و از سوی دیگر دقت در آن پاسخگوی شبهات برخی مغرضان درباره تناقض مواضع امام پیش و پس از تشکیل حکومت خواهد بود.

- گزیده رهنمودهای سیاسی اجتماعی امام خمینی(ره).

امام خمینی(ره) به عنوان احیاگر اسلام سیاسی و فقه حکومتی در سراسر حیات حوزوی و سیاسی خویش، رهنمودهایی درباره ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... ایراد فرموده‌اند که گزینش رؤس آنها می‌تواند مبین نقشه راه ما در مسیر عمل به اسلام ناب باشد. برگزیده این رهنمودها که از متن «مراومه سایت مبارزه» گزینش شده اند؛ پایان بخش جزوه «خط امام در صحیفه امام» است.

چند روایت از آفتاب

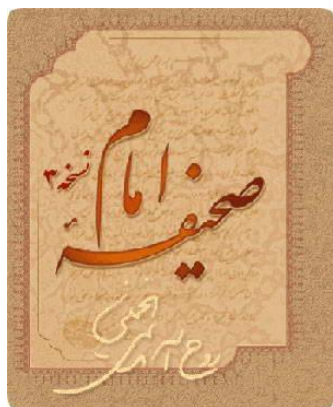
معرفی برخی آثار منتشره درباره حضرت امام(ره)

نخستین اثر مکتوب از گفتارها و نوشتارهای حضرت امام(ره) کتابی دو جلدی با عنوان «کوثر» بود که مجموعه سخنرانی های پیش از انقلاب حضرت امام می‌شد. جلد اول این کتاب رخدادهای آغازین نهضت در سال ۱۳۴۰ را تا آبان ۱۳۵۷ در فرانسه در بر می‌گرفت و جلد دوم هم از آبان تا ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ را. (کوثر، مجموعه سخنرانیهای حضرت امام خمینی، همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱) (مرحوم حجۀ الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی مقدمه و درآمدی با عنوان «نگاهی به سیر حوادث نهضت امام خمینی از آغاز تا رحلت حضرت امام» بر این کتاب نگاشته بودند که مقدمه ای برای تدوین مجموعه «صحیفه امام» شد.

۲۲ جلد «صحیفه نور» شامل مجموعه «بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها»ی حضرت امام پیش از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا رحلت ایشان است که جلد ۲۱ آن، اختصاص به پیام‌ها و سخنرانی‌های امام از تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۷ تا ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ دارد. (صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ - ۱۳۶۹. ۲۱ ج.)

آرشیو «صحیفه نور» را می‌توانید در سایت «راه خمینی(ره)» ببینید: <http://www.rahe-emam.org>

پس از انتشار صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) مجموعه‌ای جدیدتر از صحیفه نور در ۲۲ جلد منتشر کرد که کامل‌ترین و جامع‌ترین اثری در رابطه با حضرت امام(ره) به شمار می‌آید. این اثر همچنین در قالب نرم افزار «صحیفه امام» منتشر شده است. آرشیو صحیفه امام را هم می‌توانید در سایت های زیر ببینید:



پرتال امام خمینی(ره): <http://www.imam-khomeini.ir>

سایت جماران: <http://www.jamaran.ir>

سایت روح الله: <http://farsi.rouhollah.ir>

سایت تبیان: <http://www.tebyan.net>

علاوه بر این آثار، می‌توان به آثار داستانی اشاره کرد که درباره حیات حضرت امام منتشر شده، از جمله کتاب «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد» نوشته زنده‌یاد نادر ابراهیمی (انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۷۷، ۲ جلد) که البته اشاره ای به دوران اقامت در فرانسه ندارند. آنچه که مسلم هنوز جای روایت های سینمایی و داستانی از زندگی سیاسی امام بخصوص آنچه در کشور فرانسه و در قلب تمدن غربی گذشت و جهانیان را شیفته او ساخت، خالی است.

علاوه بر آثار مکتوب، برخی آثار تصویری نیز درباره حیات سیاسی حضرت امام(ره) ساخته شده که بخش مهمی از آن به دوران تبعید در فرانسه و اقامت در نوفل لوشاتو اختصاص دارد. به جز تنها فیلم سینمایی درباره امام به کارگردانی بهروز افخمی که همچنان نمایش آن در هاله ای از ابهام است، می‌توان به مستندهای زیر اشاره کرد:

- مجموعه مستند «نهضت امام خمینی» ساخته مصطفی محمد قاسملو(موسسه روایت فتح) که لوح فشرده شماره ۴ آن با سفر به فرانسه آغاز و با رحلت حضرت امام(ره) می‌شود.
- مجموعه مستند «روح الله» ساخته محمد دبوبق (شبکه المنار لبنان و با همکاری بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس) که خلاصه ای از آن هم با عنوان «نقش امام و رهبری در خنثی سازی توطئه های دشمن» توسط «اداره عقیدتی سیاسی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی» در ایران مونتاژ و منتشر شده است.
- مستند «نوفل لوشاتو» ساخته حامد کلاهدوز (موسسه روایت فتح)
- مستند «نوفل لوشاتو؛ ۱۱۶ روز» به کارگردانی فرشاد اکتسابی (سیما فیلم)

خط امام واقعی کجاست؟

هرمنوتیک «خط امام»



«خط امام» کلیدواژه‌ای است که در سال‌های پس از انقلاب از سوی گروه‌های سیاسی مختلف جمع‌ناپذیری به کار برده شده است و هر گروهی خود را مصداق واقعی آن دانسته است. به راستی خط امام به چه معناست و مصداق «خط امام ناب» چه گروه‌هایی هستند؟

آن‌چه که از امام خمینی به عنوان یک «متن» در اختیار ماست، گفته‌ها و نوشته‌های ایشان و نقل‌قول‌های تاریخ‌نویسان و نزدیکان‌شان درباره سیره فردی و اجتماعی ایشان است و «فهم» گروه‌های مختلف از این متن خط امام نامیده می‌شود. گروه‌هایی که از ابتدای انقلاب خود را خط امامی نامیده‌اند - از حزب توده تا جناح

چپ، از اصلاح‌طلبان تا اصولگرایان و از راست سنتی تا پیروان مشرب سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی- هر یک به فراخور اندیشه سیاسی‌شان و هم‌چنین انتظاراتی که از یک رهبر انقلابی و یا یک حاکم اسلامی داشته‌اند به‌گزینش و ضریب‌دهی آن‌چه که از امام در دسترس هست پرداختند و برای خود یک خط امام سازگار با پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌هایشان ساختند. این تفسیرهای متکثر از خط امام چه خودآگاه و مزورانه و چه ناخودآگاه و صادقانه شکل گرفته باشند در هر صورت نیازمند بررسی و بازخوانی است تا خط امام از یک واژه و برجسب خالی از محتوا و شعار سیاسی به یک گفتمان پویا تبدیل شود.

اما فراتر از این بررسی‌ها که بیشتر صبغه آکادمیک دارد، آن‌چه اهمیت دارد نقش «قدرت» در شکل دادن به یک قرائت رسمی از خط امام است. مسئولین نظام و در کنار آن‌ها کانون‌های قدرت و ثروت حتی اگر برای امام و خط امام اهمیتی قائل نباشند به دلیل کاربزمای امام خمینی و نهضت اسلامی جهانی ایشان «مجبور» اند خود را ذیل عنوان خط امام تعریف کنند و این باعث می‌شود که خودآگاه یا ناخودآگاه دست به بازتعریفی از خط امام بزنند که سازگار با منش سیاسی‌شان باشد. اصحاب قدرت و ثروت با استفاده از «رسانه» به عنوان مهم‌ترین بازوی قدرت در دنیای امروز، تلاش می‌کنند قرائت خود از خط امام را به عنوان گفتمان غالب در بیاورند. «بزرگان» انقلاب اسلامی - چه بر سر قدرت باشند و چه به حاشیه رفته باشند- همواره از نزدیکی سال‌های انقلاب خود با امام برای تحمیل تفسیر خود از خط امام به عنوان تفسیر قطعی، نهایی و مطابق با واقع بهره می‌برند و با ذکر خاطرات خصوصی و نقل‌قول‌های درگوشی از امام سعی در موجه جلوه دادن قرائت خود دارند. تمرکز رسانه‌های اصلاح‌طلب در سال‌های اخیر بر نوه‌های حضرت امام - که می‌توان گفت مایل به اصلاح‌طلبان هستند- را می‌توان عینی‌ترین نمود این رویکرد دانست.

گذشته از این که باید قرائت‌های متکثر از خط امام را به رسمیت شناخت و یا این که برای سامان‌دهی یک قرائت رسمی و جامع و شفاف از آن تلاش کرد، این کلام امام در وصیت‌نامه ایشان حائز توجه است که «اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.» امام با این بیان خواه ناخواه راه را برای به وجود آمدن «مفسران رسمی» کلام خودش بسته است، مفسرانی که با استفاده از امتیاز تریبون‌های حکومتی و یا نوستالژی همراهی گذشته‌شان با امام بتوانند خط امام مورد پسند خود را بیافرینند.

پیام‌های سال‌های پایانی عمر مبارک امام خمینی که در آن‌ها افق‌های آینده‌ی نهضت اسلامی را ترسیم می‌کنند شاید بهترین متن برای عموم باشد تا خود بتوانند قرائت‌های ناسازگار با متن از خط امام را در بازار مکاره‌ی سیاسیون تشخیص دهند. این پیام‌ها را می‌توان «قرآن» گفتمان خط امام دانست که باید «احادیث و روایات» و هم‌چنین «تفسیرها» را هرکس خود با محک آن بسنجد و از این رهگذر راه را بر «بدعت»‌گذاران ببندد.

در ادامه چند پیام مشهور و گفتمان‌ساز امام خمینی که غالباً در سال‌های پایانی عمر ایشان صادر شده است مختصراً معرفی می‌شود:

۱. اولین سند مبارزاتی امام خمینی: دعوت به قیام برای خدا

۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده.»

۲. فرمان هشت ماده‌ای: حقوق مردم، قانون و قوه قضاییه

۲۴ آذر ۱۳۶۱: «رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل

بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیه‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند.»

«ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است.»

«هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند.»

۳. براءت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

۶ مرداد ۱۳۶۶: «فریاد براءت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکش‌شان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.»

«شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد... این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق براءت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.»

«ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست.»

«مصلحت زجرکشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابرنه‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد... آن‌هایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌های جان‌فرسای ستون محکم انقلاب و پابرنه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند.»

«روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بی‌خبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند.»

«خدا نیاید آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد.»



۴. منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

۲۹ تیر ۱۳۶۷: «بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.»

«این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند.»

«پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاست‌های غلط حاکمان دست‌نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند.»

«ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم.»

«مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورد.»

«امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم.»

«آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.»

«جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.»

«ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.»

«اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر.»

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.»

«نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.»

«به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند.»

«در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.»

۵. پیام به مناسبت شهادت عارف حسین حسینی: اسلام ناب و اسلام آمریکایی

۱۴ شهریور ۱۳۶۷: «راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسین، در میان ما بود.»

۶. پیام به هنرمندان

۳۰ شهریور ۱۳۶۷: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - اسلام ائمه هدی - علیهم السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیتها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» باشد.»



www.Sajed.ir

هنر در مدرسه عشق نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است.

هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنان امریکا و شوروی، را بیاموزد.

هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند.»

۷. منشور سازندگی



۱۱ مهر ۱۳۶۷: «در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود.»

«به مسئولین و دست اندرکاران در هر رده نیز می‌گویم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع

نمایید- که ان شاء الله خواهد کرد- و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است.»

«توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند... مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر.»

«مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند.»

«مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است.»

«استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی... و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.»

۸. منشور برادری: مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی

۱۰ آبان ۱۳۶۷: «کتابهای فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود.»

«در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد.»

«اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است.»

«از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.»

۹. پیام سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین

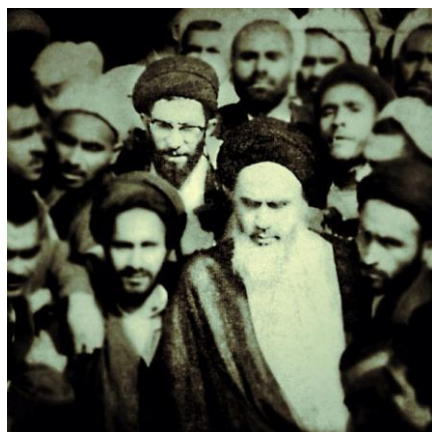
۲ آذر ۱۳۶۷: «بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند.»

«باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.»

«بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.»

۱۰. منشور روحانیت

۳ اسفند ۱۳۶۷: «روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند.»



«آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است... دیروز مقدس نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند!... دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده‌اند!»

«جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.»

«جبهه بندی نهایتاً معارضة پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناحها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام.»

«زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.»

«برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم.»

«ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و

معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند.»

«ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!»

۱۱. پیام پیرامون تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

۲۵ دی ۱۳۶۷: «همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می‌کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند.»

«اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرتها و ابرقدرتها باشد.»

۱۲. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی

از جمله مهمترین اسناد به جای مانده از امام، وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان است که نگارش آن در بهمن ۱۳۶۱ به پایان رسید. البته وصیت‌نامه بعدها مورد بازبینی ایشان قرار گرفت و متن اصلاح شده را در دو نسخه در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶ جهت نگهداری در مجلس خبرگان رهبری و آستان قدس رضوی به جمعی از مسؤولین و شخصیت‌های بلندپایه نظام تحویل دادند. وصیت‌نامه را می‌توان چکیده آراء امام راحل دانست که در قالب توصیه‌های عام و خاص به مردم و مسؤولین آمده است.

تبیین حکومت اسلامی در تبعید

گزیده مواضع حضرت امام(ره) در مهاجرت نوفل لوشاتو



در مدت اقامت چهار ماهه امام در پاریس، نوفل لوشاتو مهمترین مرکز خبری جهان بود و مصاحبه‌های متعدد و دیدارهای مختلف امام دیدگاه‌های ایشان را در زمینه حکومت اسلامی و هدفهای آتی نهضت برای جهانیان بازگو می‌کرد. به این ترتیب جمع بیشتری از مردم جهان با اندیشه و قیام ایشان آشنا شدند و از همین جا بود که بحرانی ترین دوران نهضت را در ایران رهبری کرد. دولت شریف امامی دو ماه بیشتر دوام نیاورد و شاه ریاست کابینه را به دولت نظامی «زهاری» سپرد. کشتارها رو به فزونی نهاد اما تأثیری در قیام مردم نداشت، شاه در نهایت استیصال از سفیر امریکا و انگلیس درخواست راه حل می‌کرد اما هیچ یک از طرح‌های قبلی آنان نتیجه‌ای دربرنداشت. انتخاب بختیار از عناصر جبهه ملی هم نتوانست مانع از

موج انقلابی مردم ایران تحت حمایت امام خمینی شود و سرانجام با بازگشت امام خمینی از تبعید ۱۴ ساله در ترکیه، عراق و فرانسه، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

گزارشی که در ادامه می‌آید، به بررسی مهمترین مواضع پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در مهاجرت فرانسه پرداخته است. مواضع این برهه از حیات سیاسی امام و تاریخ انقلاب اسلامی از این لحاظ اهمیت مضاعف دارد که از یک سو مهمترین سخنان امام پیش از تشکیل حکومت را در جمع

دانشجویان مقیم خارج از کشور و خواص یاران و نیز در مصاحبه با رسانه های خارجی را شامل می شود و از سوی دیگر دقت در آن پاسخگویی شبهاست برخی مغرضان درباره تناقض مواضع امام پیش و پس از تشکیل حکومت خواهد بود:

اول مهر ۱۳۵۷؛ منزل امام خمینی(ره) در نجف به وسیله قوای رژیم بعث عراق محاصره گردید. رئیس سازمان امنیت عراق در دیدار با امام گفته بود که شرط ادامه اقامت ایشان در عراق دست کشیدن از مبارزه و عدم دخالت در سیاست است و امام(ره) نیز با قاطعیت پاسخ داد که به خاطر مسئولیتی که در مقابل امت اسلام احساس می کند حاضر به سکوت و هیچ گونه مصالحه ای نیست. (سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع ایران و اصلاحات امریکایی شاه، صحیفه امام، ج ۳، صص ۱۹-۵۱۶)

۱۲ مهر؛ سرانجام امام خمینی نجف را به قصد مرز کویت ترک گفت. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود امام به این کشور جلوگیری کرد. قبلاً صحبت از هجرت امام به لبنان و یا سوریه بود اما سرانجام ایشان پس از مشورت با فرزندشان حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. (کوثر: مجموعه سخنرانیهای حضرت امام خمینی(س)؛ ج ۱، ص ۴۳۴)

۱۴ مهر؛ حضرت امام وارد پاریس شده و دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشاتو (حومه پاریس) مستقر گردیدند. همان روز در نخستین پیام خود علت مهاجرت از عراق به فرانسه را شرح دادند (پیام به ملت ایران به مناسبت مهاجرت از عراق، صحیفه امام، جلد سوم، صفحه ۴۸۱) و چند روز بعد در سخنرانی مورخ ۱۹ مهر در جمع ایرانیان مقیم پاریس، شرح هجرت از عراق و ورود به فرانسه را برشمرده و فرمودند: «من خودم را ملزم می دانم، یعنی ملزم شرعی می دانم، عقلی می دانم... همه مسئول می شویم برای این ملت... هر کسی، هر ملتی خودش باید تعیین سرنوشت خودش را بکند، دیگران نباید بکنند. این ملت ما هم الان همه ایستاده اند و می خواهند سرنوشت خودشان را تعیین کنند.» (صحیفه امام، جلد ۳، ص ۵۰۲)

۱۶ مهر؛ امام در پیامی خطاب به محصلین علوم دینی از پاریس فرمودند: «من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام مژده پیروزی نهایی می دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان و مهره‌هایی به اسم شاه و دولت و وزیر و وکیل که به جان ملت مستضعف افتاده اند و خون آنان را می مکند، هان، ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاهها و دانشسراها آگاهانه و متعهد بپاخیزید و به هم پیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید، و قبل از هر چیز عملاً از احکام پر ارج اسلام که سعادت ملتها را بیمه نموده است پیروی کنید، و جناحهایی را که در اثر تبلیغات اجانب، فریب خورده و بعضی مکتبها را پذیرفته اند و یا به آنها تمایل پیدا کرده اند، از حیلۀ دشمن آگاه کنید، و جنایتهای سران حیل‌باز مکتبهای منحرف را افشا کنید، و برای نجات کشور، از تفرقه و تشتت، سخت احتراز کنید، و با صراحت خواستههای ما را که خواست همه مستضعفین است به آنان گوشزد کنید، و شعار ما را که شعار ملت محروم و مظلوم است به آنان پیشنهاد کنید، باشد که با شناخت صحیح به شما پیوندند.» (صحیفه امام، جلد ۳، ص ۴۸۳)



۲۰ مهر؛ به مناسبت چهلم شهدای ۱۷ شهریور (جمعه خونین) امام خمینی در پیامی خطاب به ملت ایران فرمود: «عزیزان من! همت کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مهره های خیانتکار را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کنید، و دست مهره دارهای سوجدو را از کشورهای اسلامی قطع کنید. سعادت و آزادی و استقلال، پشت سد مهره های داخلی و مهره دارها است، سدها را ویران کنید و صفها را درهم شکنید و کشور را نجات دهید.» (صحیفه امام، جلد ۳، ص ۵۱۱)

۲۱ مهر؛ امام در یکی از اولین سخنرانی های خود در جمع دانشجویان درباره اوضاع ایران و اصلاحات امریکایی شاه؛ خط مشی نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی را با افشای جنایات شاه در سایه حمایت بلوک شرق و غرب، تبیین کردند: «شاه نمی تواند ادامه حیاتش را بدهد الا زیر پرچم نظام و زیر سرنیزه نظامیها که دنبالش سرنیزه امریکایی ها است. اگر سرنیزه امریکایی نباشد، معلوم نیست نظام ایران الان آنطور انقیاد را داشته باشد.» و نیز: «همه این حرفهایی که این دولتهای بزرگ می زنند و جامعه هایی درست کرده اند برای حقوق بشر، برای امنیت، برای چه، نه امنیتشان به امنیت

آدم می‌برد و نه حفظ حقوق بشرشان به حفظ حقوق آدم می‌برد. همه اش برای این است که این ملل ضعیف را ببلعند.» و نیز: «با مفهوم "آزادی" و "جامعه مترقی" در نظر کارتر هزار از این مردم کشتند، در روزنامه های شوروی تایید کردند از شاه. الان هم تایید کردند این راه، با این کشتاری که الان شما ملاحظه می‌کنید در ایران هر روز یک گوشه ای هست. الان هم این کار را ... اینها همه شان برای این است که این گاز ایران را می‌خواهد، آن نفت ایران را می‌خواهد؛ آن دارد گاز ایران را می‌برد، آن دارد نفت ایران را می‌برد. همه دنبال این هستند که این ملت ضعیف عقب بمانند؛ چشمهایشان باز نشود.» (صحیفه امام، ج ۳، صص ۱۹-۵۱۶)

۲۲ مهر؛ امام در مصاحبه با روزنامه فیگارو و تشریح اوضاع آینده ایران درباره ماهیت اسلامی نهضت و حکومت آینده فرمودند: «مخالفین رژیم ایران و قیام کنونی، قربانی تبلیغاتی هستند که آنها را از طبیعت خودبیگانه می‌سازد. ما وقتی از اسلام صحبت می‌کنیم، به معنی پشت کردن به ترقی و پیشرفت نیست، بلکه عکس آن صحیح است. به عقیده ما اساسا اسلام یک مذهب ترقیخواه است، ولی ما دشمن رژیمهایی هستیم که تحت عنوان تجددخواهی، روش دیکتاتوری و ظلم را در پیش می‌گیرند» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱)

۲۸ مهر؛ امام در سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره تبلیغات منفی از اسلام و آینده نهضت می‌فرمایند: «این جور نیست که اگر یک حکومت اسلامی پیدا بشود، دیگر زندگی مردم را به هم می‌زند... کجای قرآن، کجای احکام قرآن، کجای احکامی که خود روحانیون [دارند] یک همچو کلمه ای ازشان صادر شده است که ما با مظاهر تجدد مخالفیم. ما با مظاهر انحرافات مخالفیم... ما با اصل سینما، اگر چیزهایی را که انجام می‌دهد، کارهایی را که انجام می‌دهد کارهایی باشد که برای ملت مفید است، بچه ما را تربیت می‌کند؛ رشد می‌دهد؛ مخالف نیستیم.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۴)

۳ آبان؛ در پاسخ به سوال خبرنگار راجع به مواضع آشتی جویانه مهندس بازرگان، دکتر کریم سنجابی و آیت الله شیرازی، امام می‌فرمایند: «من با روش آشتی و بینابینی مخالفم و از اول هم با این روش مخالف بودم. علت هم آن است که این کار نه رژیم شاه را از بن بست خارج می‌کند - چرا که علت در بن بست قرارگرفتنش برنامه هایی است که مامور اجرایشان بوده است - و نه از فشار و اختناق و کشت و کشتار می‌کاهد. اگر همه به طور روشن و قاطع این موضع را اتخاذ کنند که رژیم شاه بایدبرود، دیگر رژیم ناگزیر می‌شود سیاست خسته کردن را از راه کشتارهای مستمر و روشهای تازه فشار و اختناق کنار بگذارد و پیروزی ملت نزدیکتر می‌شود. کسانی که لیاقت سرنگون کردن این رژیم را داشته باشند، البته با این کار خود ثابت می‌کنند که توانایی اداره کشور را نیز دارند.» (مصاحبه با خبرگزاری فرانسه درباره آینده ایران، صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۴۵)

۱۸ آبان؛ در مصاحبه با مجله هفتگی "آمستردام نیورو هلند" درباره حکومت اسلامی می‌فرمایند: «ما با تکیه بر دستورات اسلامی و اجرای مقررات آن در همه زمینه‌ها تلاش خواهیم کرد، که از سویی دست عناصر فاسد کوتاه شود و از طرفی انگیزه های فاسد کننده نابود شود. و دیگر اینکه عموم مردم را موظف می‌دانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می‌بینند از پایین ترین و بالاترین مقامات بلافاصله جلوگیری کنند. و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می‌شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می‌ماند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۳)



۲۵ آبان؛ در مصاحبه با خبرنگار انگلیسی خبرگزاری رویتر می‌فرمایند: «راه حل میانه یعنی تسلیم [در برابر] رژیم شاه. زیرا بساط سلطنت و همه بنیادهای فشار و اختناق و تمام برنامه هایی که اجرایشان ایران را به این روز انداخته است و کار را به بن بست فعلی رژیم کشانده است، پابرجا هستند. بنابراین راه حل میانه، یعنی پیوستن به رژیم شاه، و این نه تنها بن بست را از بین نمی‌برد بلکه کامل می‌کند و ملت کسانی را که به این راه حلها گوش می‌دهند، نه تنها نفی می‌کند بلکه خائن می‌شمارد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۲۳)

۲۰ آذر؛ مأمورین کاخ الیزه نظر رئیس جمهور فرانسه را مبنی بر اجتناب از هرگونه فعالیت سیاسی به امام ابلاغ کردند که امام صراحتا به «کلود شایه» نماینده دولت فرمودند: «ما اعتقاد داریم که شاه و دولت، غاصب است و اعتقاد داریم که سرنوشت ما باید در دست خودمان باشد؛ و اینها با زور سرنیزه حکم می‌کنند. ریشهٔ اختلاف ما با شما، در همان اظهار عقیده است. سرباز، در یک دولت غاصب سرباز نیست. در یک دولتی که شاه غاصب

است و بر تمامی مصالح ملت قیام کرده است، شاه یاغی است؛ نه یک دولت غاصب است؛ لذا یک قیام مسلحانه هم شورش نیست؛ بلکه ضد شورش است.... اگر دولت فرانسه مایل نیست ما حرف حقمان را بزنیم - حرف خود را که همه آزادند حرف حقشان را بزنند، نگوییم - ما با ناراحتی به جای دیگر منتقل می‌شویم» (صحیفه امام، جلد ۵، ص ۲۰۸)

۲۲ دی؛ امام در پیامی به ملت مسلمان ایران به مناسبت تشکیل شورای انقلاب فرمودند: «بر ملت شجاع ایران است که خود را در مقابل چنین توطئه‌ای به هر وسیله ممکن مجهز کنند، و با اتکا به خدای تعالی از اشخاصی که به جز سود طلبی چیزی در نظر ندارند نهراسند، که مبارزات پرشور ملت ایران نشان داده است که نمی‌هراسند، و می‌دانند که اینان هم مثل آن خائنین که فرار را اختیار و با مال ملت در خارج زندگی را انتخاب کرده‌اند، استقامت را از دست داده‌اند. ملت ایران موظف است که به درجه داران و افسران و صاحب منصبان شریف احترام بگذارند. باید توجه داشته باشند که چند نفر ارتشی خائن نمی‌توانند اکثریت ارتش را آلوده کنند؛ حساب این چند نفر ارتشی خونخوار معلوم و از حساب ارتش ایران جداست. ارتش از ملت است و ملت از ارتش؛ با رفتن شاه خائن خللی بر آن وارد نخواهد شد. .. ملت شریف باید تا نتیجه نهائی، دست از مبارزات پرشور خود برندارند، که نمی‌دارند. باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و در صورتی که چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند، می‌توانند دفاع از خود کنند اگرچه منتهی به قتل آنان شود» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۲۶)

۱۶ دی؛ دولت نظامی از هاری کنار گذاشته شد و شاپور بختیار؛ یکی از سران جبهه ملی به عنوان، آخرین مهره امریکا برای تصدی پست نخست وزیری به شاه پیشنهاد شد. پیام‌های امام خمینی مبنی بر وجوب ادامه مبارزه، طرح‌های رژیم را نقش بر آب ساخت.

۲۳ دی؛ شورای سلطنت مرکب از شاپور بختیار نخست‌وزیر، محمد سجادی رییس مجلس سنا، جواد سعید رییس مجلس شورای ملی، علیقلی اردلان وزیر دربار، عبدالله انتظام، ارتشبد قره‌باغی، دکتر علی آبادی دادستان سابق کل کشور، محمدعلی وارسته و سیدجلال‌الدین تهرانی، تشکیل شد. شورای سلطنت موظف بود با امام خمینی تماس بگیرد و در صورت امکان با دادن امتیازاتی با ایشان به توافق برسد.

۲۵ دی؛ در پاسخ به سوال خبرنگار فرانسوی مجله محلی «ل'اگو» راجع به ماهیت دموکراسی در جمهوری اسلامی، می‌فرمایند: «در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۶۸)

۲۶ دی؛ شاه پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رأی اعتماد برای کابینه بختیار از کشور فرار کرد. عصر آن روز امام پیامی صادر کردند که توسط حاج احمد خمینی برای نمایندگان رسانه‌ها قرائت شد: «فرار محمدرضا پهلوی را که طلوعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می‌کنم. شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت‌های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد و به مقصد هر چه دشوار باشد رسید.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۸۶)

۲۸ دی؛ سید جلال‌الدین تهرانی رییس شورای سلطنت، برای مذاکره با رهبر انقلاب وارد پاریس شد. بختیار هم به روابط قدیمی سیدجلال با روحانیت امیدوار بود، اما تلاش رییس شورای سلطنت برای ملاقات با امام در نوفل‌لوشاتو بی‌نتیجه ماند. جواب امام صریح و روشن بود: با هیچ‌یک از نماینده‌های سلطنتی ملاقات نخواهم کرد. شرط امام برای صدور اجازه ملاقات به تهرانی، استعفای وی از شورای سلطنت بود. علاوه بر این، او باید در متن استعفا نامه تأکید می‌کرد که شورا غیرقانونی است. تهرانی نیز ناچار استعفا نامه خود را امضا و به امام تقدیم کرد. در نتیجه ۳ بهمن؛ شورای سلطنت که برای حفظ رژیم سلطنتی در ایران تشکیل شده بود، منحل گردید.

۵ بهمن؛ دولت اعلام کرد تا ۳ روز دیگر همه فرودگاه‌های کشور تعطیل خواهند بود. امام خمینی (ره) نیز در نامه‌ای به ملت ایران نوشتند: «از اینکه ایادی اجانب، فرودگاه‌های سراسر ایران را به روی من بسته‌اند، بناچار تصمیم گرفتیم که روز یکشنبه ۲۹ صفر (هشتم بهمن) به کشور برگشته و چون سربازی در کنار شما به مبارزه علیه استعمار و استبداد تا پیروزی نهایی ادامه دهیم... ملت آگاه باید بداند که دولت فعلی با کمال بیشرمی تصمیم دارد شاه مخلوع و فراری را چون گذشته برگرداند و حکومت جابرانه این دودمان ننگین را بار دیگر بر ما تحمیل کرده و برای همیشه ما را در اختناق و زیر سلطه اجانب قرار دهد؛ ولی دیگر دیر شده است و اراده آهنین ملت به خواست خداوند این آخرین توطئه را نیز درهم خواهد شکست.»

۶ بهمن؛ امام خمینی در دیدار با رمزی کلارک، دادستان کل وقت آمریکا، ریچارد فالک، استاد دانشگاه پرینستون و دان لویی، نماینده وقت سازمان های مذهبی آمریکا در نوفل لوشاتو مطالبی بدین مضمون اظهار کردند: «اگر آمریکا دست از فشار و تهدید و دخالت بردارد، دولتی که در آینده در ایران تشکیل خواهد شد، نیروی خود را صرف اجرای عدالت خواهد کرد و اگر قدرتمندهایی که در رأس ملت‌ها واقع شده‌اند کنار بروند یا اصلاح بشوند، تفاهم با ملت‌ها هم آسان خواهد بود ولی تا زمانی که آنها هستند، تفاهم ایجاد نخواهد شد.»



۷ بهمن؛ مصادف با سالروز رحلت پیامبر مکرم اسلام(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع)؛ به همین مناسبت مردم با راهاندازی تظاهرات در سراسر کشور خواستار بازشدن فرودگاه مهرآباد برای ورود امام خمینی(س) شدند. بختیار اعلام کرد برای ملاقات با آیت‌الله خمینی اگر لازم باشد به پاریس خواهد رفت. امام(س) در پاسخ، دولت بختیار را غیرقانونی دانستند و تأکید کردند: «بختیار تا استعفا ندهد ملاقاتی در کار نیست.»

۸ بهمن؛ امام خمینی ضمن صدور پیامی در رابطه با شرط پذیرفتن بختیار در نوفل لوشاتو، در سخنانی در جمع حاضران در نوفل لوشاتو فرمودند: «من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می‌روم ایران و اول قدمی که برمی‌دارم تأسیس می‌کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام بر رأی مردم» (صحیفه امام، ج ۵، صص ۵۰-۵۴۳)

۱۱ بهمن؛ امام در آخرین پیام خود پیش از عزیمت به ایران فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم. در این موقع که پس از چهار ماه توقف پرحادثه در خاک فرانسه، برای خدمت به وطنم می‌خواهم اینجا را ترک کنم، لازم می‌دانم از دولت فرانسه که وسایل امنیت و آزادی بیان را برای اینجانب مهیا نمود، و از اهالی محترم که با حس انساندوستی علاقه خود را به آزادی و استقلال کشور ایران اظهار داشتند تشکر کنم. امید است مهمان نوازی دولت و ملت فرانسه و حس آزادیخواهی آنان را فراموش نکنم. و از زحماتی که به همسایگان و اهالی نوفل لوشاتو دادم معذرت می‌خواهم. امید است احترامات اینجانب را بپذیرند. روح الله الموسوی الخمينی» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۶)

و فردای آن روز؛ در تاریخ ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ امام خمینی با پرواز هواپیمایی ایرفرانس عازم بازگشت به وطن شد؛ پروازی که در ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه صبح در فرودگاه مهرآباد تهران به زمین نشست و امام را در آغوش استقبال ملت قرار داد.

محکمت خط امام

گزیده رهنمودهای سیاسی اجتماعی امام خمینی(ره)



امام خمینی(ره) به عنوان احیاگر اسلام سیاسی و فقه حکومتی در سراسر حیات حوزوی و سیاسی خویش، رهنمودهایی درباره ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و.. ایراد فرموده‌اند که گزینش رئوس آنها می‌تواند مبین نقشه راه ما در مسیر عمل به اسلام ناب باشد.

آنچه در ادامه می‌آید برگزیده این رهنمودهاست که از متن «مرامنامه سایت مبارزه» گزینش شده‌اند:

مردم و جامعه

- «مصلحت زجرکشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابره‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد... آن‌هایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌های جان‌فرسای ستون محکم انقلاب و پابره‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند.»
- «فریاد براءت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابره‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.» (براءت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام، مورخ ۶ مرداد ۱۳۶۶)

سیاست

- «شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیری‌ها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تایید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است.» (منشور برادری/ پاسخ حضرت امام به نامه محمدعلی انصاری، مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۷)
- «اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معطلات و حیرت‌ها برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و میرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تالیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورت‌ها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.» (منشور برادری/ پاسخ حضرت امام به نامه محمدعلی انصاری، مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۷)
- «جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام.» (منشور روحانیت، مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۷)
- «آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسأله، مسأله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ برخلاف مقررات اسلام دارد عمل می‌کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ، می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند.» (سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج، مورخ ۸ خرداد ۱۳۵۸)



- «وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))
- «اگر دانشگاهها اصلاح بشود استقلال ما، آزادی ما، همه چیز ما، حفظ می شود. و حتما بدانید که در دراز مدت هم بکلی ما مستغنی از غیر خواهیم شد، در همه چیز مستغنی از غیر خواهیم شد. و کوشش کنید که کمک کنید به این انقلاب فرهنگی و کمک به انقلاب فرهنگی کمک به استقلالتان است، کمک به آزادیتان است، کمک به کشورتان است که از زیر بار وابستگی بیرون برود.» (سخنرانی در جمع هیات امنای دانشگاه ملی و روسای دانشکده های مختلف و بیمارستانهای وابسته به این دانشگاه، مورخ ۲۲ آذر ۱۳۶۰)
- «دانشگاهها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیتهای اسلامی. اگر تحصیل علم می کنند، در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه آنکه اینها را تربیت کنند به تربیتهای غربی. نه آنکه یک دسته به طرف غرب بکشاند جوانهای ما را و یک دسته به طرف شرق و یک دسته با اشخاصی که با ما جنگ دارند، بالفعل اشخاصی که ما را می خواهند در انحصار اقتصادی قرار بدهند، یا برای ما ادعا می کنند که ما شما را، حصار اقتصادی می کشیم دور شما، و دست و پا می کنند در این موارد، یک دسته از دانشگاهیهای ما، از جوانهای ما کمک به آنها نکنند. ما می خواهیم که چنانچه ملت ایران در مقابل غرب ایستاد، جوانهای دانشگاهی ما هم همه در مقابلش بایستند. مامی خواهیم که اگر ملت ما در مقابل کمونیست ایستاد، تمام دانشگاهیهای ما هم در مقابل کمونیست بایستند.» (سخنرانی به مناسبت انقلاب فرهنگی در جمع اقشار مختلف مردم، دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاهها و سازمانهای دانشجویی مسلمان سراسر کشور، مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹)
- «انجمن های اسلامی باید توجه کنند که در بین این انجمن ها از این منحرفین نفوذ نکنند. شما مطمئن باشید که این منحرفین و منافقین و آنهایی که دستشان از این کشور کوتاه شده است، با هر حيله ای که شده می خواهند در همه جای کشور خصوصاً در دانشگاه که مرکز علم و مرکز همه ی جهات کمال انسانی است، می خواهند نفوذ کنند... باید سعی خودتان را، کوشش خودتان را در انتخاب افراد برای این انجمن ها بکنید و دقت کنید که که افراد، افرادی باشند که سابقه آنها و قبل از انقلاب آنها و در انقلاب (آنها) درست باشد و با شناخت کامل در این انجمن ها راه داده بشوند. این انجمن ها فعالیت شان بسیار ارزش دارد، لکن یک همچو مسئولیت هایی دارند که مسئولیت شان هم بزرگ است.» (بیانات حضرت امام (ره) در جمع فعالان انجمن های اسلامی دانشجویان/دفتر تحکیم وحدت، مورخ ۶ آذر ۱۳۶۱)
- «اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم، و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب ننگه می دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید. و به همه نسلهای مسلسل توصیه می کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرقزدگی حفظ و پاسداری کنید و باین عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))
- «اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود. و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می کند، از دانشگاهها به مراکز قوای سه گانه راه می یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))

حوزه و روحانیت



- «در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.» (منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، ۲۹ تیر ۱۳۶۷)
- «روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند.» (منشور روحانیت، مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۷)
- «آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است... دیروز مقدس نماهای بیشعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند!... دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده‌اند!» (منشور روحانیت، مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۷)
- «روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بی‌خبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند.» (برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام، مورخ ۶ مرداد ۱۳۶۶)
- «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف بایکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقدبینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.» (منشور برادری/ پاسخ حضرت امام به نامه محمدعلی انصاری، مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۷)
- «ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجرای خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس جمهور که نباید یک پای خطایی بر دارد. نظارت کند بر نخست وزیر که نباید یک خطایی بکند. نظارت کند بر همه دستگاه‌ها، بر ارتش، که نباید یک کار خلافی بکند. جلو دیکتاتوری را می‌خواهیم بگیریم، نمی‌خواهیم دیکتاتوری باشد، می‌خواهیم ضد دیکتاتوری باشد. ولایت فقیه، ضد دیکتاتوری است؛ نه دیکتاتوری.» (سخنرانی در جمع مردم و عشا، مورخ ۳۰ مهر ۱۳۵۸)

سیاست خارجی

- «شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و شورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و

ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد... این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.» (برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام، مورخ ۶ مرداد ۱۳۶۶)

- «راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است...» (پیام به مناسبت شهادت عارف حسینی، مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۶۷)

- «ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!» و فرمود: «ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند.» (منشور روحانیت، مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۷)

- «این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند... ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم.» (منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، ۲۹ تیر ۱۳۶۷)

- «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بیا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود



برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری ای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.» (وصیت نامه سیاسی الهی امام(ره))

اقتصاد

- «مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است.» (منشور سازندگی، ۱۱ مهر ۱۳۶۷)

- «البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زر اندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلّم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند.» (برائت از مشرکان: پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام، مورخ ۶ مرداد ۱۳۶۶)

- «اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بیحساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند - گرچه بعض کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند "و باز هم دست برداشته اند" که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌اند چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند، و آن را رژیمی چون رژیم سرمایه داری غرب مثل رژیم امریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب به حساب آورند، و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته‌اند - و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در بر داشته. بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))

- «مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که خواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بییماید فوراً او را "کمونیست" و "التقاطی" می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.» (منشور استقامت: پیام به مناسبت کشتار مکه و قبول قطعه‌نامه ۵۹۸، مورخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷)



- «به مسئولین و دست اندرکاران در هر رده نیز می‌گویم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نمایید- که ان شاء الله خواهید کرد- و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندان سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است.» و نیز: «توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این

امر باید محفوظ بماند... مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر.» و نیز: «مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند.» و نیز: «استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی... و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم جامعه.» (منشور سازندگی، ۱۱ مهر ۱۳۶۷)

- «در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود.» (منشور سازندگی، ۱۱ مهر ۱۳۶۷)



تاریخ انقلاب

- «اکثر مورخین، تاریخ را آن گونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند می‌نویسند، نه آن گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند.» (پیام پیرامون تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی / نامه به حجت الاسلام سید حمید روحانی، مورخ ۲۵ دی ۱۳۶۷)
- «از شما می‌خواهم هر چه می‌توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می‌کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلاب‌ها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده‌ای خاص، له و یا علیه عده‌ای دیگر و یا واقعه‌ای در خور بحث. اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد. شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تاجر و واپس‌گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند.» (پیام پیرامون تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی / نامه به حجت الاسلام سید حمید روحانی، مورخ ۲۵ دی ۱۳۶۷)
- «شما باید نشان دهید که در جمود حوزه‌های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند، تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه و بازار، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند. شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ‌آباد تاجر و تقدس‌مآبی چه ظلم‌ها بر عده‌ای روحانی پاک‌باخته رفت، چه ناله‌های دردمندانه کردند، چه خون دل‌ها خوردند، متهم به جاسوسی و بی‌دینی شدند ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به طوفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تاجرگرایی، سرافراز - ولی غرقه به خون باران و رفیقان خویش - پیروز شدند.» (پیام پیرامون تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی / نامه به حجت الاسلام سید حمید روحانی، مورخ ۲۵ دی ۱۳۶۷)

فرهنگ، هنر و رسانه

- «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشات می‌گیرد، و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در راس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است.» (پیام به دانشجویان و دانش آموزان درباره آثار فرهنگ مستقل و فرهنگ وابسته، مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۶۰)

- «رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای موثر تباهی و تخدیر ملتها، خصوصا نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن، چه نقشه های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار، و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق، کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصا تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی ماب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود، و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن، و برای همردیفان نیز مشکل می نمود! فیلمهای تلویزیون از فرآورده های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان، به کتابخانهها و موزه های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجلهها با مقالهها و عکسهای افتتاح بار و اسف انگیز، و روزنامهها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی با افتخار، مردم بویژه طبقه جوان موثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند.» (وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))



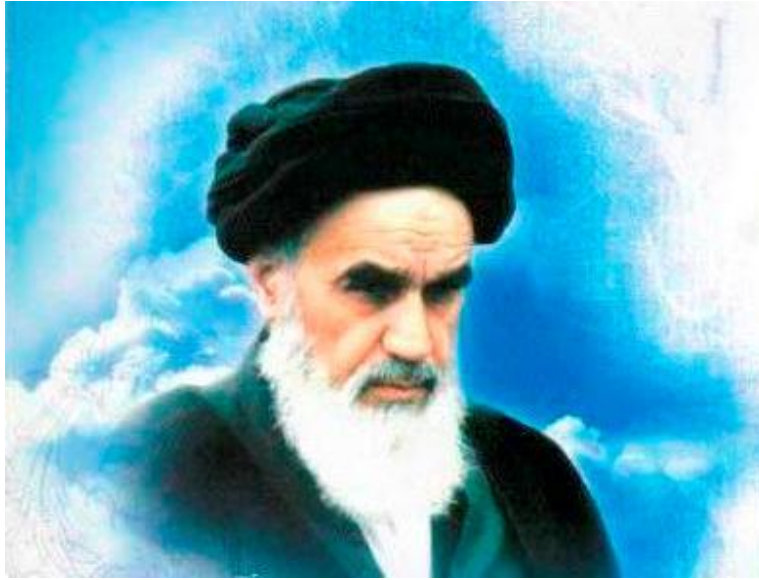
- «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) اسلام ائمه هدی (علیهم السلام) اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیتها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» باشد... هنر در مدرسه عشق نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی

ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنان امریکا و شوروی، را بیاموزد. هنرمندان ما تنها زمانی می توانند بی دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده اند.» (پیام به هنرمندان، مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۷)

- «وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و روسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجلهها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند. و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود.» (وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره))

- «در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند.» (مصاحبه با خبرنگار فرانسوی مجله محلی «ل'اگو»، مورخ ۲۵ دی ۱۳۵۷)

پایان



«اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم، و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید. و به همه نسلهای مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرقزدگی حفظ و پاسداری کنید و باین عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید.»

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی(ره)

(وصیت نامه سیاسی الهی)